

بازری زبانی در داستان (مروزر و شب یوسف) اثر محمود دولت آبادی

استادیار. غانری فیصل جلیل محمد

دانشکده زبانها - دانشگاه بغداد

کلید واژگان: بازی های زبانی، ساخت های زبانی، کارکردهای دستوری عملکردهای زبانی.

چکیده:

بازی های زبانی در مبحث ساختار و مفا هیمی قرار می گیرد که وجه اشتراک بسیاری با علمی مثل زبان شناسی، ادبیات، دستور زبان، روان شناسی، فلسفه و جامعه شناسی دارد. نخستین فردی که به صورت مصمم به بازی های زبانی و کارکرد های آن پرداخته است، ویتگنشتاین بود. وی در نظریه های خود بر جنبه های فلسفی و زبان شناسی اصرار کرده و بیشتر از هر چیز بر راندمان زبان در زندگی مردم توجه و دقت به خرج داده است. ویتگنشتاین کارایی های زبانی توسط مردم را عملکرد قانون مند و برداشت درست از زبان ملاحظه کرده است. بازی های زبانی در ادبیات به صورتی است که از به کارگیری واژه ها، عبارتها و جملات در کارکرد های زبانی افراد اختصاص یافته است. از مقوله این اقسام می توان به تکرار، ساخت های زبانی، عملکردهای دستوری، استعمال نام آواها، عملکردهای محاوره ای و بهره گیری از زبان شکسته، تصویرگری های زبانی، تقدیم و تاخر صفت و موصوف، اشکال جمع بستن، ساخت واژگان اشتقاقی و کاربرد جملات کوتاه و بلند اشاره کرد. در این پژوهش برخی از مصادیق بازی های زبانی را بصورت موردی در داستان (روز و شب یوسف) اثر محمود دولت آبادی از دیدگاه مولفان مطرح ادبیات مورد بررسی قرار می دهیم.

المقدمه:

زبان یکی از کهن ترین و مبهم ترین وسایلی است که انسان در تصرف داشته است و از ابتدای تشکیل جوامع انسانی در حین سوال از معنای الفاظ، قانون توجه بوده است. کلام و زبان علوم تجربی، زبان اخلاق، زبان هنر، زبان دینی، هر یک بازی، زبانی ویژه ای است که قاعده ها و قانون مختص به خود را دارا می باشند و بر پایه آن قانون و مقررات، واقعی را

مطرح میکنند و بدون در نظر گرفتن به اختلافات این بازی های زبانی، در پی هیچگونه واقعیتی نمیتوان بود. معانی کلمات، کاربرد آنها در حوزه ی عمل اجتماعی است. (ناطق، 1394. ص 10)

«زبان» وسیله ای در خدمت معنا نیست، لیکن زبان و زیبایی آفرینی آن می تواند غایت نهایی مولف باشد که این موضوع با ضابطه های زیبایی شناسانه تایید شده سنتی موافق نمی باشد (اکبری و سالاری، 1398. ص 10).

برای هنرمندان و نویسندگان، بازی همواره وسیله و اسبابی بوده است برای جلب و جذب تماشاگران و خوانندگان. لکن هنگامی که سخن از رمان و ادبیات و آفرینش ادبی به میان می آید، این قضیه شکل و حالت تازه و متمایزی به خود می گیرد. در واقع می توان مطرح کرد که این ابزارهای متمایز و متفاوت می توانند برای علاقمند کردن خواننده و به وجود آوردن نوعی حس طنز و شوخی به حساب آیند. علاوه بر این دیدگاه خنده دار و طنز، نویسنده می تواند از این جنبه ها بهره مند گردد، تا به سبب شوخی و بازی، ناگفته هایی را بیان کند و آن چیزی را که نمیتواند به صراحت بر زبان جاری ساخت به شکلی غیر مستقیم مطرح کند. (قاسمی، 1395. ص 12)

نوشتار علاوه بر به تصویر کشیدن زبان و پژواک زبانی گفتار که در مرحله ی نخست دلالتی میتواند بیان کننده معانی باشد، در سطوح دلالتی از کیفیات دیداری نیز برخوردار است. (زربابی و عابد دوست، 1399. ص 7)

محمود دولت آبادی از رمان نویسان برتر ایران می باشد. وی با همت و تلاش و پشتکار زیاد در مسئله نوآوری ادبی با توانسته خود را در جامعه ادبی ایران و تا حدودی در جهان ثابت کند. دولت آبادی مثل هر نویسنده برتر و بزرگ دیگر مراحل رشد و تکامل هنری خود را قدم به قدم طی کرده و مشکلات و موانع زیادی را پشت سر نهاده است. (طاهری، 1391. ص 10)

باستان گرایی و ابراز مضامین نثر مرسل و نثر بینابین یا مرکب (در دو حیطه واژگانی و نحوی)، کوتاه بودن جمله ها، اثر گذار بودن واژگانی و تفسیری از زبان و ادب عربی، مترادف و متضاد، تجدید (کلمه و لغت، جمله، محتوا)، بودن پی در پی خط تیره (در نقش توصیف، بدل و ...)، استفاده از آهنگ و وزن شعری، آمیختن و ساختن کلمه های ابتکاری، لغات گویشی و عامیانه، بهره گیری از ادبیات قدیمی و جدید فارسی، ایجاد فضاهای نو با بهره گیری از تجارب سینمایی و نمایشی نویسنده، آمیزش فضای قدیمی و تازه (زمان داستان)، صحبت با اشیاء و حیوانات و همچنین اشتباهات نوشتن از برجسته ترین خصایص سبکی و زبانی در محتوای این داستان

قدیمی و نزدیک به شعر هستند. دولت آبادی با بهره گیری از عناصری از واقعیت و رویا و خروج هنری از زبان معیار، به روش نویسندگانی مانند ابوالفضل بیهقی، ابوعلی بلعی و برخی نویسندگان معاصر، اثری جدید و قدیمی در زمینه داستان پارسی عصر حاضر آشکار ساخته است. (همتی و همکاران. 1394. ص 5)

ویتگنشتاین در فلسفه اخیرش با پیشنهاد تئوری استفاده ی معنا، مفهوم کلمه را به استعمال آن در جریان و شکل زندگی پیوند می دهد. از نگاه او، زبان امری عمومی و اجتماعی و زبان خصوصی امری ناممکن است. کاربرد زبان در قالب بازی های زبانی صورت می گیرد و کاربرد بازی های زبانی خود، انواع مختلف اشکال زندگی را تشکیل می دهد. حالت های زندگی پیوندی با ساختار حیات اجتماعی انسان دارند. (دهاقین و همکاران. 1397. ص 10)

محمود دولت آبادی از جمله نویسندگانی است که داستان نویسی نوین را در ایران نشر و گسترش داده است و با ابتکارات و ابداعات ذاتی خود در نویسندگی توانسته جایگاه خاص و ویژه ای را در ادبیات فارسی تثبیت و به ثبت برساند. (عوضیپور. 1397. ص 10)

و ی در تالیفات و آثارش، از گونه های متفاوت و گوناگون مانند به بهره گیری از مصادر مرکب، ترکیبات وصفی و اضافی و پارادوکسها و بکاربردن برخی از لغات و کلمات مخصوص و منحصر بفرد ممیزها، ابداعاتی دارد. وی صاحب سبک در داستان نویسی است و با نوشته هایش ذهن خواننده نکته بین را تحریک می کند به جستجو و کاوش و ساختار سبکی نوشتار وی و توجه آن به بکارگیری کلمات و واژه های عامیانه و محیط صفات و توصیفات خاص و اصطلاحات عامیانه و روز مره همه اینها سبب تمایز نوشته های دولت آبادی گردیده است. (نسقی. 1385. ص 5)

کتاب روز و شب یوسف، رمانی نوشته ی نویسنده ی بزرگ ایرانی، محمود دولت آبادی است. داستان این رمان به زندگی پسری نوجوان به نام یوسف می پردازد که در محیطی آکنده از فقر زندگی می کند. مادر یوسف خدمتکار خانه های ثروتمندان است و به خاطر کار زیاد و تمام نشدنی، بسیار شکسته و بیمار شده است. پدر یوسف نیز، مردی ساکت و کم حرف است که روزها را در خانه می ماند و شب ها در کارخانه ای کار می کند. یوسف شب ها به خانه ی مردی می رود و از او درس قرآن و شعر می آموزد. هر کدام از همسایه های یوسف و خانواده اش، ماجرای دارند و فکر یوسف را به گونه ای به خود مشغول می سازند. دولت آبادی در کتاب روز

و شب یوسف، با هنرمندی و مهارتی مثال زدنی به ترس ها، دغدغه ها، رنج ها و آرزوهای پیری نوجوان می پردازد و مخاطب را مستقیم وارد جهان فکری این شخصیت می کند.

پیشینه‌ی تحقیق

در خصوص آثار و تالیفات محمود دولت آبادی، نقدها و مطالعات گسترده ای صورت گرفته است. علی الخصوص رمان معروف و گرانقدر وی بنام "کلیدر" که بسیار حائز اهمیت می باشد. به طوری که دولت آبادی در مقدمه کتاب "روز و شب یوسف" بیان می کند که این داستان را در اثنای نوشتن رمان "کلیدر" نوشته است. آثار دولت آبادی از آن جهت حائز اهمیت می باشد که وی از پیشگامان داستان نویسی مدرن بشمار می آید و همچون ساعدی صاحب سبک مخصوص به خود می باشد. اما در خصوص موضوع مورد پژوهش ما « بازی های زبانی در داستان (روز و شب یوسف) اثر محمود دولت آبادی » مطالعه و تحقیقی صورت نگرفته که بتوان در این بخش آن را مطرح کرد. داستان "روز و شب یوسف" از آن دسته آثار دولت آبادی است که بیشتر از بعد سبک شناسی و موضوعی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است نه از بعد ساختار و زبان علی الخصوص مقوله بازی های زبانی. که در این پژوهش در این خصوص به تحقیق و بررسی آن می پردازیم.

فرضیه‌ها و پرسش‌ها

زبان و ارتباط آن با فلسفه از موضوعات بنیادی در اندیشه ویتگنشتاین به شمار می آمد. وی بر این اعتقاد بود که زبان اساساً شامل خصلت و صفتی می باشد و بنیاد آفرینش اساس آن را برمیکزیند و براین باور بود که زبان مانند وسیله می باشد و برای درک مفاهیم زبان بایستی به عملکرد آن در زندگی مردم دقت کنیم. شکل زبان ما بیان کننده شیوه اندیشه ما در مورد دنیای واقعی می باشد.

اکنون سوالی که مطرح می شود این است که محمود دولت آبادی در داستان "روز و شب یوسف" چگونه از قابلیت های زبان و بازی های زبانی در داستان خویش بهره گرفته است؟

روش تحقیق

در این پژوهش، از شیوه تحلیلی-توصیفی با رویکرد استنباطی در جریان مقاله استفاده و متعاقباً بهره‌مندی از مطالعات کتابخانه‌ای و نیز جمع آوری داده‌ها و پژوهشها و تحقیقات سایر نویسندگان و زبان‌شناسان، بستر کلی این نگاه را تشکیل می دهد.

نگاهی بر زندگی محمود دولت آبادی

محمود دولت آبادی در سال ۱۳۱۹ هجری - شمسی در یک خانواده ای کرد زبان واقع در قریه ی دولت آباد که در حومه ی شهرستان سبزوار در استان خراسان واقع شده دیده به جهان گشوده است. تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهش به اتمام رساند. وی از ابتدای کودکی تمایل مشهود به داستان های عامیانه و مردم پسند و افسانه هایی داشت که گهگاهی روایان دوره گرد به شرح و بیان آن می پرداختند. اولین آشنایی اش با جادوی نمایش در مدرسه و از خلال نمایشهای خیمه شب بازی بود که صورت گرفت.

محمود دولت آبادی، نویسنده و پژوهشگر برتر معاصر ایران است که به وی لقب «شوالیه ی فرهنگ و ادب ایران» و «داستایوفسکی ایران» را از آن خود کرده است. آثارش به زبان های گوناگون ترجمه شده و با جدیت در امر نویسندگی، توانسته است خود را در جامعه ادبی جهان نیز تثبیت کند به گونه ای که وی را «تبلور هنری یک دوره» در حوزه داستان نویسی فارسی خوانده اند که ادبیات داستانی بومی و روستایی را به اوج شکوفایی هنری خود رسانده است.

این نویسنده به باور بزرگان ادب و فرهنگ، نمونه برجسته ادبی است که در آثارش هم می توان رد پای جدال بر سر تجدد و نوآوری در فن داستان نویسی و هم میراث گذشته ای دوردست را مشاهده کرد. بیش از ۵۰ سال است که این نویسنده برجسته، بی وقفه می نویسد. بیشتر داستان های وی، سفر به ژرفا و اعماق جامعه ای بوده که از آن برخاسته و خود آن را تجربه کرده است. ادبیات پر بار فارسی با تالیف های این نویسنده بزرگ، غنی تر شده، چندین فیلم نیز بر اساس داستان ها و فیلمنامه های وی ساخته شده است. دولت آبادی در سال ۲۰۱۳ برگزیده جایزه ادبی «یان میخالسکی» سوئیس شد و در سال ۲۰۱۴ جایزه «شوالیه ادب و هنر ایران» را از سفیر دولت فرانسه در تهران دریافت کرد.

آنچه که وی را از سایر نویسندگان هم عصرش برجسته تر و ممتاز تر می سازد. نوآوری همراه با پیشینه ی از گذشته وجود دارد. هنرمندی که مبادرت به ابداع اثری هنری می نماید و در وجود خود توشه ای از گذشته فرهنگی و به همان میزان عصر حاضر کشورش را همراه دارد. وی نویسنده ای تاثیر گذار در بین نویسندگان جوان ایرانی بشمار می آید.

جنبه هایی در زندگی او وجود دارد که مانع شناخت اکثر نوشته هایش گردیده است، آن هم به جهت قرار گرفتن در شمار نویسندگان «قبل از انقلاب» و «پس از انقلاب» که عده ای با اون بعنوان طرد شده از هر دو دوره برخورد کرده اند. از آن دسته نویسندگانی است که پس از

پیروزی انقلاب جمهوری اسلامی از رفتن به خارج کشور و تبعید ممانعت کرد و به همین خاطر عده ای او را به خاطر ماندن در ایران پس از انقلاب مورد انتقاد قرار می دهند و سرزنش می کنند. و در دروه ای توسط گروهی موسوم به "نیروهای خودسر" مورد حمله و ترور قرار گرفت . باوجود مشکلات و موانع فراوان ، محمود دولت آبادی همواره بعنوان یک صدای ممتاز برای آزادی اندیشه و ابداع و نوآوری در ایران باقی مانده است . وی از افرادی است که در کنفرانس برلین شرکت کرده است .

محمود دولت آبادی مصداق بارزی از نویسنده ای می باشد که در تالیفاتش هم اثری از درگیری ها که بر سر تجدد و نوآوری در فن داستان نویسی صورت گرفته دیده می شود و هم میراث گذشته ای دور . در واقع دگرگونی و تحول در حیطه کوشش و تلاش در جهت ابداع و نوآوری این نویسنده بیان کننده خط مسیری است که مقارن با روبرو شدن و پیروی از روند تغییراتی که در رمان دهه چهل و پنجاه ایران صورت گرفته است و با ادبیات کلاسیک ایران نیز برخورد کرد. آن چیزی که دولت آبادی را از سایر نویسندگان هم دوره اش متمایز می کند همین نکته ای بود که مطرح شد .

نکته دیگر این که دولت آبادی توانسته در آثار خود سادگی، صبر و قناعت را که از ویژگی های بارز مردمان روستائین است به خوبی در ذهن مخاطب ترسیم کند. ناآگاهی و جهل از دیگر موضوعاتی است که این نویسنده توانسته در قالب داستان هایش به آن پردازد. وی توانست مانند سایر نویسندگان هم عصر خودش با فرهنگ و ادبیات غرب ارتباط برقرار کند و آن را فرا بگیرد . همانگونه که ادبیات غرب را فرا میگرفت در زبان و ادبیات فارسی نیز از غافله عقب نیفتاده و مطالعات خود را در این زمینه تکمیل می کرد . و آنچه را که لازم میدانست از ادبیات فارسی عامیانه و کهن ایران زمین بهره می گرفت . و به همین سبب سبک و سیاق وی متفاوت از سایر نویسندگان هم عصرش می باشد و وی از پیشگامان داستان نویسی مدرن می باشد .

قلم دولت آبادی مصداق بارزی از تمایل ادبیات متعهد به کاستن فاصله وجود فی مابین درک متفاوت از معنای انقلاب می باشد . داستان های کوتاه و رمان های وی شرایط و اوضاع طبقات فرو دست و گروه های مستضعف و سطح پایین علی الخصوص دهقانان و کارگران روستایی را به تصویر می کشد . و شخصیت هایی که او در داستانهایش می آفریند ، سوا از تمایلات مذهبی و دینی شان ، قربانی اوضاع و احوال اجتماع می باشند . وی توانایی بسیاری در به تصویر

کشیدن شرایط و زندگی طبقات فرودست و فقیر جامعه را دارد از جمله این توصیفات آشکار و دقیق، توانایی فوق‌العاده وی در تجسم بخشیدن به خصایص فیزیکی، اجتماعی و سیاسی منطقه، آفریدن ریتم‌های زبانی و اوج‌گیری‌های تدریجی آن به منظور برجسته نمودن لحظه‌های دراماتیک داستان از نقاط قوت محمود دولت‌آبادی در نویسندگی به حساب می‌آیند. (خرم‌شاهی، 1389، ص 12)

سبک نوشتاری دولت آبادی

با خواندن آثار محمود دولت‌آبادی و بررسی دیدگاه منتقدان درباره شیوه نوشتاری وی، متوجه می‌شویم که این نویسنده برجسته، در اغلب داستان‌های خود پیرو سبک «رنالیسم» است یعنی بیان تمام و کمال واقعیت‌های یک ماجرا است. او با استفاده از این سبک، داستان‌هایش را به قدری ملموس و واقعی روایت می‌کند که گاه، مخاطب می‌پندارد به تماشای یک فیلم نشسته است. البته رد پای اندیشه‌های «ناتورالیستی» و «سورئالیستی» را نیز می‌توان در نوشته‌های او پیدا کرد.

نثر دولت‌آبادی زنده است، جان دارد و در سریع‌ترین زمان حسش را به مخاطبش منتقل می‌کند. او می‌گوید زبان نوشته‌هایش را از بی‌هقی وام گرفته، و این را در سادگی و دلنشینی قلم او می‌توان دید. او همچنین در آثارش از زبان و گویش‌های محلی نیز استفاده می‌کند که به دلنشینی و زیبایی متن او می‌افزاید.

دولت‌آبادی که کودکی‌اش را در روستا سپری کرده، به‌خوبی توانسته از تجربیات و دیده‌هایش از زندگی در روستا در رمان‌هایش استفاده کند و در این زمینه، یعنی رمان روستایی، صاحب‌سبک باشد.

او توانسته، سادگی، صبر و قناعت را که از ویژگی‌های بارز مردمان روستا است را به زیبایی در ذهن خواننده تصویر کند. فقر و ناآگاهی از دیگر موضوعاتی است که دولت‌آبادی سعی کرده تا در قالب داستان‌هایش به آن پردازد. در دل همه‌ی سردرگمی‌ها و مشقت‌هایی که در تلاش است تا به خوبی به خواننده منتقل کند، میتوان کورسوی امیدی را مشاهده کرد. همان امیدی که همیشه در ذات و طبیعت روستا هست.

تبحر این نویسنده در توصیف چهره و حالات روحی قهرمانان داستان‌هایش، به گونه‌ای است که تا مدت‌ها پس از مطالعه داستان، سیمای هر یک از شخصیت‌ها، در ذهن مخاطب می‌ماند. دولت‌آبادی، نثری پویا و زنده دارد و در سریع‌ترین زمان، احساس خود را به مخاطب منتقل

می‌کند. خود می‌گوید که زبان نوشته‌هایش را از «بی‌هقی» وام گرفته است که سادگی و دلنشینی آثار او، موید این سخن است. دولت‌آبادی در نوشتن داستان‌هایش، از واژگان محلی (کردی و خراسانی) نیز در کنار واژه‌های امروزی استفاده کرده که این موضوع بر شیوایی زبان نثر او افزوده است.

نگاهی اجمالی بر روز و شب یوسف

کتاب روز و شب یوسف یک داستان بلند ۸۰ صفحه‌ای از محمود دولت‌آبادی است. در سال ۱۳۵۲ به رشته تحریر درآمده و در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات نگاه به چاپ رسیده است. دولت‌آبادی می‌گوید زمانی که مشغول نوشتن رمان بلند و معروف خود که همان کلیدر است بوده، داستان‌هایی در ذهنش رژه می‌رفته‌اند و آزارش می‌دادند که دلش می‌خواست آن‌ها را هم روی کاغذ بیاورد تا بلکه از آن‌ها رهایی یابد. روز و شب یوسف یکی از همان داستان‌هاست. داستانی که دولت‌آبادی به گفته خودش، در مقطعی، بخاطر آن از نوشتن ادامه کلیدر دست کشید.

گفتنی است که رمان روز و شب یوسف بعد از سی سال، از میان دست نوشته‌های دولت‌آبادی پیدا شد و به چاپ رسید. روز و شب یوسف با نثری عالی -همان نثر بی‌هقی وار کلیدر- نوشته شده است. « به این ترتیب اثری از گزند روزگار مصون مانده باوجود ایراداتی که دارد، از برجسته ترین تالیفات دولت‌آبادی پس از جای خالی سلوچ و کلیدر به حساب می‌آید ».

خانواده و زندگی یوسف در مکانی است که تصویر ذهنی مخاطبان اثر، درمورد آن مکان‌ها، مثبت نیست. و یوسف داستان، خود را به دو شخصیت مظلوم دیگر تاریخ نزدیک می‌سازد. " اینان جملگی آیه و اثراتی می‌باشد که در رمان یوسف و زلیخا جزء اهداف می‌باشند و بدین ترتیب، یوسف با خلقی از ستیزه جویی و عشق، خود را قربانی می‌کند تا از آن فکرهای وهم آلود و ملعون رهایی یابد." (طالبی نژاد. ۱۳۸۳. ص ۲)

داستان کتاب روز و شب یوسف، درباره‌ی پسر نوجوانی به نام یوسف است که به سن بلوغ رسیده است و مشغول گذراندن دوران بلوغ است. یوسف در خانواده‌ای مذهبی و سخت‌گیر بزرگ‌شده است تا حدی که محیط خانه پر از خفقان است. یوسف فرزند پدری دیکتاتور و مادری مطیع است. پدری که هیچ وقت با زنش حرف نمی‌زند و شب‌ها تا صبح به کار مشغول است و روزها می‌خوابد و مادری که هیچ‌چیزی برای فرزندانش کم نمی‌گذارد. داستان اصلی

کتاب درباره‌ی درگیری‌های ذهنی یوسف است، یوسفی که در کوچه و خیابان سایه‌ی مردی را می‌بیند اما نمی‌تواند به آن برسد و غیره.

بازی‌های زبانی در رمان "روز و شب یوسف"

هنگونه‌ای از زبان می‌باشد چرا که زبان محل به وجود آمدن رخ داده‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشند. و سبب پیدایش فرهنگ‌های و جوامع متفاوت انسانی بوده و لکن پیدار شدن و خلق هنر در بستر فرهنگی معنا پیدا می‌کند. (دباغ و فرمانفرمایی. 1389. ص 11) قواعد کاربردی زبان و بهره‌گیری از واژگان عامیانه مرکب و مشتق و صور خیال و دیگر قواعد زبانی سبب متمایز کردن سبک نگارش رمان "روز و شب یوسف" نوشته محمود دولت‌آبادی می‌باشد.

شکل ویژه‌ای از تک‌گویی درونی، سیال‌سازی ذهن است و از بارزترین خصایص و ویژگی‌های آن میتوان به پرش در زمان، نحو و نشانه‌گذاری اشاره کرد، که هر کدام از این خصایص، دنبال کردن متن، گفت‌وگوهای اشخاص داستان و تفکرات موجود در آن را دچار ابهام میکند. یکی از دغدغه‌های همیشگی محمود دولت‌آبادی در دوران نویسندگی اش، همین جریان سیال ذهنی بوده است، اما این فرآیند، به طور گسترده‌ی آن در دو داستان بلند سلوک و روز و شب یوسف نمود یافته است. در این مقاله، پس از بررسی مفهوم جریان سیال ذهن و ویژگی‌های آن و انواع زوایای دید درونی، به جست‌وجوی این فرآیند در دو داستان مذکور پرداخته شده است و در پایان، این نتیجه به دست آمده که این جریان در دو داستان مورد نظر، دارای اختلافاتی است که از جهان بینی شخصیت‌ها ناشی شده است. (هاشمیان و حبیبی. 1395. ص 12)

روایت‌کننده رمان از نوع سوم شخص بوده که بیانگر احساسات و هیجانات و افکار شخصیت اصلی داستان می‌باشد. در داستان به جنبه مثبت و منفی شخصیت اصلی داستان می‌پردازد گاهی شخصی آرام و مثبت دیده می‌شود و گاهی شخصی منفی را روایت می‌کند. (پاسبان وطن و حیدری. 1400. ص 10)

آنچه که در این داستان توسط روای روایت می‌شود آن چنان شیوا و فصیح می‌باشد، به گونه‌ای است که خواننده را به سکوت و سکون وادار می‌کند. روایی و آسان بودن متن از یک سو قلم شیوا و زنده دولت‌آبادی از سوی دیگر. بیان عریان واقعیات جامعه و جهت بخشیدن آن‌ها در داستان بیانگر قلم توانمند نویسنده است.

اشاره به اعتقادات و آداب و رسوم که در گذشته در ایران رواج داشته، توصیف جز به جز شخصیت‌های داستان به طوریکه در ذهن خواننده تصویرسازی قوی صورت می‌گیرد در بخشی از

داستان آن هنگام که یوسف در تاریکی شب راه میرفت و احساس میکند شخصی در تعقیب اوست و در حین قدم زدن در کوچه به توصیف شخصیت سایه می پردازد ضمن اینکه به توصیف جزئیات دقیق سایه می پردازد به گونه ای که در ذهن خواننده تصویر سازی میکند گویی خود شخصیت اصلی داستان است و در آن شرایط قرار دارد ، که این نشانگر هنر نویسندگی دولت آبادی می باشد.

بررسی مختصری از کاربرد بازی های زبانی در رمان روز و شب یوسف یکی از اصطلاحات مورد استفاده در ادبیات فارسی، مشتق بوده که در سنت دستور زبان فارسی، واژه ای را که از ریشه فعل گرفته شده باشد را «مشتق» می گویند.

نمونه ای از واژگان اشتقاقی به کار رفته در رمان مدنظر که به اختصار به آنها اشاره می کنیم :
گوشتالو / گنده تر / بختک / دو نیم / بلندتر / نیم تنه / خال کوبی / خشتک / نخ نما / مچش / کار کرده / پیچانده / سرخود / بی رمق / پر کوب تر / بخشکاند / دزدانه / چه نعمتی / چه گوارا / آن جا / چه آرامش بخش / صاحب خانه / برداشت / پاره ای / هر آنچه / بیش از اندازه / دیوارک / بارکش / چرک مرد / دالان / کمرنگ / افسون / درمانده / شکمش / سیگار / چهارتا / رواج / پیدایش / درمانده / جادو و غیره

سایه ای دنبالش بود. در اینجا نویسنده به سایه شخصیت بخشیده و مستقیم فردی که در تعقیب یوسف است را توصیف نکرده و از تشخیص استفاده نموده است و هم چنین جمله ی کوتاه را مورد استفاده قرار داده است.

همان سایه همیشه. سایه، خودش را در سایه دیوار گم می کرد و باز پیدایش می شد. گنده بود، به نظر یوسف گنده می آمد، یا این که شب و سایه - روشن کوچه ها او را گنده، گنده تر می نمود؟ هرچه بود، این سایه ذهن یوسف را پر کرده بود. چیزی مثل بختک بود. در اینجا اشاره به اعتقادی خرافی که در گذشته بین ایرانیان رواج داشته می پردازد. سایه را تشبیه به بختک می کند. که واژه ای عامیانه در بین مردم می باشد.

هیكلش به اندازه دو تا آدم معمولی به نظر می رسید. یوسف حس می کرد خیلی باید درشت استخوان و گوشتالو باشد. مثل یک گاو باد کرده. گاوی که پوستش را با کاه پر کنند. در اینجا با استفاده از تشبیه قصد دارد فربه و چاق بودن شخص را بیان کند. و همچنین می توان تقدم صف بر موصوف را در این جمله مشاهده کرد ، درشت استخوان گوشتالو و یا مثل یک گاو باد کرده را در این متن بیان کرده است.

شکمش لابد خیلی جلو آمده است. باریک باید باشد. کهنه باید باشد. تسمه باریک و کهنه باید روی نافش نشست کرده و شکم ورم کرده اش را دونیم کرده باشد. یک نیم تنه گشاد باید تنش باشد. نیم تنه ای که آستین هایش از دست ها بلندترند. دست های چاق، با انگشت های کوتاه. دست هایی مثل گوشت مانده گاو کبود، باید باشند. رگ های دست ها توی گوشت ها گم باید باشند. پشت دست ها، روی ساق، بازو، سینه و سر دوش هایش باید خال کوبی باشد. خال های کهنه و کمرنگ. کمر شلوارش لابد گشاد است و تسمه ای که محکم روی شکم بسته شده. دور خشتک و جلوی شلوارش را چین انداخته و پاچه هایش تنگ است. (دولت آبادی 1383. ص 10) در این پاراگراف استفاده از جملات کوتاه و مختصر کاملاً مشهود است.

در این بخش از داستان به توصیف لباس فرد تعقیب کننده پرداخته که سر پاچه شلوار را توصیف کرده که در ایام گذشته و حتی در دوران معاصر افرادی که در محلهایی خاص جمع می شدند و در قدیم جاهل نامیده می شدند و در عصر حاضر اراذل و اوباش نامیده می شوند لباس های مخصوص به خود داشتند و از ادوات خاصی در پوشش به کار می گرفته اند.

سر زانوهایش کثیف و چرب باید باشند. شاید ساییده هم شده باشند. نخ نما شده. کفش هایش هم، پاشنه هایش باید ساییده شده باشند. شاید روی کفش ها هم، بالای پنجه ها ترک برداشته باشد. کفش هایش باید خشک باشند. باید خیلی کارکرده باشند و... این دستمالی که همیشه به دور پنجه ها و مجش پیچانده، چقدر چرک باید باشد؟ آب دماغ و دهن، چرک عرق و چربی. یوسف خودش هم نمی دانست چرا حس می کند که تمام رخت و لباس های او باید چرب و چرک باشد؟ چرا حس می کرد سرشانه های نیم تنه مرد از عرق و چرک باید مثل چرم شده باشد؟ به نظر یوسف می رسید که این مرد، سال هاست همین رخت ها را به تن دارد. (دولت آبادی 1383. ص 11)

در این قسمت هم اشاره به رسم و رسوم ایرانیان قدیم دارد که در آن زمان گروهی که جاهل نامیده می شدند دستمالی را به دور دست می پیچیدند و در معابر ظاهر می شدند و گاهی این دستمال را می چرخانند و حرکاتی موزون را انجام می دادند.

رخت های گشاد و ساییده شده، نخ نما و چرک مرد. اما صورتش، صورتش چطوری می توانست باشد؟ یوسف هنوز صورت او را ندیده بود، پس چه می دانست؟ فقط می توانست تصور کند. (دولت آبادی 1383. ص 11)

در این بخش ابتدایی داستان آنچه قابل ملاحظه است توصیفات عامیه و واژگانی عادی که در زندگی افراد معمولی جامعه به کار گرفته میشود اصطلاحاتی که در زندگی روز مره بسیار کاربرد داشته و مورد استعمال واقع می شود .

می توانست تصور کند از لوله های بینی اش موهای زیر و درازی بیرون زده است. موهای کهنه، سیاه سفید. پشت لبش باید پهن باشد. سبیلش باید باریک باشد. یا این که زیر سوراخ های بینی اش جمع و چسبیده باشد. روی سبیل از بخار بینی و دود سیگار باید زرد شده باشد. پیشانی اش حتماً تنگ و باریک اند و چشم هایش پر سفیدی و برجسته. گوشه چشم ها، نمناک و مویرگ ها سرخ و ترس آور. چانه اش لابد کوتاه و تورفته است. طوری که غبغبش با چانه و لب ها یکی شده اند. یک کلاه دست چین و چرک مرد هم باید سرش باشد. کلاهی که انگار شسته نشده. کلاهی که چرک در چین چین هایش مانده و مرده است. دندان هایش لابد زرد و کرم خورده هستند، دندان هایش بزرگ اند. (دولت آبادی. 1383. ص 11) در این پارگراف هم می توان استفاده نویسنده از جملات کوتاه را به وضوح دید. همچنین به کار گیری کلمات مرکب مانند نمناک، دست چین، چرک مرد و کرم خورده را میتوان مشاهده کرد. و شمار زیادی کلمات جمع بسته شده مانند: چشم هایش / سوراخ های بینی اش / لب ها / چین چین هایش / دندان هایش / موهای کهنه / لوله های بینی اش و کلمات و واژه های مشتقی مانند: نمناک / ترس آور / چرک مرد / تورفته / برجسته در همین متن مورد استفاده قرار گرفته اند.

چهارتای جلوش باید خیلی بزرگ باشند. انگار از هرکدامشان یک تکه شکمبه آویزان است. دارد می آید توی کوچه. یوسف حسش می کرد. کوچه استاد دراز و تاریک و کم نور بود. مثل یک دالان دراز و بی انتها بود این کوچه. باریک و ناهموار بود. یک جوی کج و کوله هم داشت که همیشه آب غلیظ و گندیده ای در آن به کندی پیش می رفت. می مُخید. پر از لُوش و لُجن. مثل یک مار سیاه، و ناخوش. از کجا می آمد؟ خانه استاد ته کوچه بود. بن بست. سایه، سایه مرد هر شب تا نبش کوچه، آنجا که به خیابان راه داشت دنبال یوسف می آمد، بعد همان جا می ایستاد و رفتن یوسف را تا آستانه در خانه استاد، تا زیر ضربی اتاق نگاه می کرد و همین که یوسف پا به گودی در خانه می گذاشت، گم می شد. (دولت آبادی. 1383. ص 12) در این قسمت استفاده تشبیه زیاد به کار گرفته شده مانند آن قسمت که روای برای خواننده کوچه یا همان دالان را توصیف میکند و با این توصیفات تصویر کوچه در ذهن مخاطب نقش می بندد.

این متن قسمتی از داستان "روز و شب یوسف" بود. که به توصیف و شرح حال ترسی که یوسف در کوچه در هنگام بازگشت به منزل داشت می پردازد. یوسف در طول مسیر به دلیل تاریکی دچار توهم یا بهتر بگوییم ترس می شود و احساس می کند کسی او را تعقیب می کند و به همین خاطر در ذهن خود به تجسم آن فرد می پردازد.

با دقت بسیار به توصیف جزئیات می پردازد چهره او را ترسیم می کند حتی در قسمتی اشاره به رگ های برجسته دست آن فرد خیالی می پردازد.

کلمات و واژه های عامیانه و محاوره ای زیادی در متن داستان توسط نویسنده مورد استفاده قرار گرفته است بعنوان مثال چارقد به معنای روسری، نیش آفتاب که به معنای صبح زود و یا روفت و روب یعنی نظافت و انجام کارهای منزل، ملتفت یعنی درک کردن فهمیدن، الوگرفتن گوش به معنای داغ شدن و غیره را میتوان بیان کرد. و همچنین عبارات و کلمات کنایه آمیزی چون "صورتی بزرگ با جای چند زخم دارد، زخم روی گونه، زخم روی چانه و غیره" که کنایه از شرور بودن و یا همان ارازل و اوباش امروزی دارد. یا پشت لبش سبز شود، کنایه از به بلع رسیدن و به اصطلاح مرد شدن می باشد. این عرق مرگ نبود که روی پیشانیاش نشسته بود؟ کنایه از فشار و استرس زیاده طوریکه شخص قدرت انجام کاری را ندارد، مثل زمانیکه فرد درحال مرگ است. یا در جایی می گوید "چرا نمیتوانست جم بخورد؟ جم خوردن به معنای تکان خوردن و حرکت کردن است. تاخانه یک نفس می دويد کنایه از سرعت زیاد و بدون توقف می باشد.

انواع جمع بستن کلمات مانند: لب ها / لب های خیس / همین ها / شب ها / پدرشان / پاهایش / یکی شان / همدوره ای هایش و غیره را در متن داستان می توان مشاهده کرد.

دولت آبادی در نگارش رمان از جملات کوتاه بسیار استفاده کرده است بعنوان مثال در صفحه 25 رمان روز و شب یوسف آمده است:

سرجایش خشکیده بود. می خواست چیزی بخورد. دلش میخواست بتواند سرش را به جایی، به مانعی بکوبد. درمانده و بیچاره. انگار افسون شده بود. جادویش کرده بودند. از رسوایی می ترسید. فکر فردا را میکرد و (دولت آبادی. 1383. ص 25)

نتیجه گیری

زبان بستر بروز وقایع فرهنگی - اجتماعی می باشد و «هنر» که خود گونه ای از زبان است مثل زبان با سبک زندگی و فرهنگ جوامع بشری در ارتباط می باشد، فلذا خلق هنری در بستر

فرهنگی رونق و قوام می گیرد و معنا می بخشد. کتاب روز و شب یوسف، رمانی نوشته ی نویسنده ی بزرگ ایرانی، محمود دولت آبادی است. وی در این رمان از زبان روای سوم شخص به روایت داستان پسری بنام یوسف می پردازد و در آن با شرح واقعیت های جامعه قدیم و سبک زندگی دیکتاتوری و مرد سالاری گذشته پرداخته است هرچند که نوآوری های زبانی امروز را نیز به کار برده است. در واقع نوعی واقع گرایی را مطرح کرده است. شرایط سخت و طاقت فرسای افراد فقیر و تهی دست جامعه را به تصویر کشیده است. زبان وسیله ای برای زیبا آفرینی است. که دولت آبادی براحتی توانسته این مهم را در کتابش به کار بگیرد وی به هنجار شکنی پرداخته و سبکی مدرن در ادبیات داستان نویسی ایجاد کرده است. به گونه ای که در داستان "روز و شب یوسف" از واژگان عامیانه آنچه که در بین قشر عادی جامعه رواج دارد بهره گرفته و از شخصیت هایی که در اجتماع آن زمان وجود داشته اند در داستان مورد استفاده قرار داده است. تصویر سازی و واقع گرایی به وضوح در داستان مشاهده می شود.

منابع:

1. اکوان، محمد (1380) ویتگنشتاین: زبان و فلسفه. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. سال 48 شماره 4.
2. اکبری، منوچهر و سالاری، مهتاب (1398) بررسی زبان و بازی های زبانی در غزل پست مدرن ایران. پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره: 8، شماره: 1
3. پاسبان وطن، سمانه و حیدری، فاطمه، 1400، روایت شناسی داستان های معاصر بر اساس الگوی روایت گری سیمپسون (با نگاهی به آثار جلال آل احمد، غلامحسین ساعدی و محمود دولت آبادی). فصلنامه مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره: 4، شماره: 8
4. خرمشاهی، بها الدین (1389). آثار دولت آبادی اکنون نو کلاسیک است. مجله بخارا، سال سیزدهم، شماره ۷۶-مرداد-شهریور ۱۳۸۹
5. دولت آبادی، محمود (1383) روز و شب یوسف. موسسه انتشارات نگاه. چاپ اول. تهران
6. دباغ، سروش. فرمانفرمایی، تکتیم. (1389) فرهنگ و هنر در فلسفه ویتگنشتاین. انتشارات مدیریت فرهنگی (دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات) سال چهارم. شماره 10
7. دهاقین، مهدی؛ حسامی فر، عبدالرزاق؛ سیف، سید مسعود؛ حیدری، محمد حسن (1397) نسبت میان بازی های زبانی، صورت های زندگی و حیات اجتماعی انسان در ویتگنشتاین متاخر ذهن. شماره 74 رتبه علمی- پژوهشی (حوزه علمیه)
8. زریابی، محمد و عابد دوست، حسین، 1399، تحلیل ویژگی های زبانی و پیرایه های نشانه نوشت در آثار ژانر "کلمه ای و اطلاعات عمومی" هشتمین جشنواره ی بازی های ویدئویی ایران، ششمین کنفرانس بین المللی بازی های رایانه ای، فرصت ها و چالش ها، اصفهان

9. طاهری، قدرت الله، 1391، ردپای ایدئولوژی در آثار اولیه محمود دولت آبادی. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره: 10، شماره: 24
10. طالبی نژاد، احمد. (1383) رازت را به ما بگو (نگاهی به رمان نیمه بلند روز و شب یوسف محمود دولت آبادی). مجله هفت. شماره 15
11. عوضپور، سیمین (1397). صور خیال در تعدادی از داستانهای محمود دولت آبادی. فصلنامه زبان و ادبیات فارسی. دوره 14. شماره 15
12. قاسمی، روح اله (1395)، بررسی بازی های زبانی در دو اثر پالود و در جستجوی زمان از دست رفته.
13. دوفصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره: 12، شماره: 16
14. ناطقی، محمد (1394) از بازی های زبانی تا شکل های زندگی. مجله پرتو خرد. دوره 15. شماره 10
15. نسقی، نازنلا. (1385). ممیزهای ویژه در آثار محمد دولت آبادی. مجله ادبیات فارسی. دوره 21 شماره 5
16. همتی، شهریار و سلیبی، علی و عابدی، حسین، 1394، سبک شناسی زبانی رمان آن مادیان سرخ یال نوشته محمود دولت آبادی. فصلنامه متن پژوهی ادبی، دوره: 19، شماره: 64
17. هاشمیان، لیلا و حبیبی، فرهاد (1395). بررسی جریان سیال ذهن در دو داستان بلند سلوک و روز و شب یوسف از محمود دولت آبادی، همایش ادبیات فارسی معاصر، ایرانشهر

References

1. Ekvan, Mohammad (2001) Wittgenstein Language and Philosophy Faculty of Literature and Humanities University Tehran Year 48 No. 4
2. Akbari, Manouchehr and Salari Mahtab (2019) Study of Language and Language Games in Postmodern Iranian Ghazal Journal of Literary Criticism and Rhetoric Volume 8, No. 1
3. Pasban Vatan Samaneh and Heydari Fatemeh 2019, Narratology of Contemporary Stories Based on Simpson's Narrative Model with a Look at the Works of Jalal Ale Ahmad Gholam Hossein Saedi and Mahmoud Dolatabadi Quarterly Journal of Persian Language Studies (Shefaye Del Saheb Volume 4, No. 8
4. Khorramshahi, Bahauddin (2009) Dolatabadi's Works Are Now Neoclassical. Bukhara Magazine, Year 13, No. 76, August 2010
5. Dolatabadi, Mahmoud (2004) Day and Night of Yousef Negah Publishing Institute. First Edition Tehran
6. Dabbagh Soroush Farmanfarmi Tektam (2010) Culture and Art in Wittgenstein's Philosophy Cultural Management Publications of Azad University, Science and Research Branch (4th year, No. 10)

7. Dehaqin, Mehdi; Hesamifar, Abdol Razzaq; Seif, Seyed Masoud; Heidari, Mohammad Hassan (2018) The Relationship Between Language Games, Forms of Life and Human Social Life in Wittgenstein's Late Mind. No. 74 Scientific Research Ranking of the Seminary
8. Zaryabi Mohammad and Abed Doost Hossein 2019 Analysis of Linguistic and Paralinguistic Features of Sign Writing in Works of the Word Genre and General Information 8th Iranian Video Games Festival 6th International Conference on Computer Games Opportunities and Challenges Isfahan
9. Taheri Ghodratollah, 2012 Traces of Ideology in the Early Works of Mahmoud Dolatabadi Quarterly Journal of Persian Language and Literature Research Volume 10, No. 24
10. Talebnejad Ahmad (2004) Tell Us Your Secret) A Look at the Novel Half-Long Day and Night by Yousef Mahmoud Dowlatabadi Magazine, No. 15
11. Ovadpour, Simin (2018). Imagination in a number of Mahmoud Dowlatabadi's stories. Persian Language and Literature Quarterly. Volume 14, No. 15
12. Ghasemi, Roohollah (2016). A study of language games in two works of Palud and In Search of Lost Time
13. Two Quarterly Journals of Foreign Language and Literature Criticism Volume 12, No. 16
14. Nateghi Mohammad (2015). From Language Games to Forms of Life. Parto Khread Magazine Volume 10, No. 15
15. Nasghi, Nazila (2006). Special features in the works of Mohammad Dowlatabadi. Persian Literature Journal Volume. 21 No. 5
16. Hemmati Shahriar and Salimi Ali and Abedi Hossein 2015 Linguistic Stylistics of the Novel That Red-Haired Mare by Mahmoud Dolatabadi Quarterly Journal of Literary Textual Studies Volume 19, No. 64
17. Hashemian, Leila and Habibi, Farhad (2016). A Study of the Flow of Mind in Two Long Stories, Soluq and Day and Night of Joseph by Mahmoud Dolatabadi Contemporary Persian Literature Conference, Iranshah

The language game in the story " Day and Night of Joseph"

Summary:

Language games are embedded in literary structures and grammatical usages. This concept is closely related to various disciplines such as linguistics, literature, psychology, philosophy, and sociology. Wittgenstein was the first to address language games in detail, emphasizing in his theory the role of philosophy and linguistics in people's lives and their systematic performances.

Language games in literature are those based on the use of words, phrases, and sentences for linguistic functions specific to individuals. Among these types are repetition, linguistic constructions, grammatical functions, the use of onomatopoeia, the use of conversation and dialogue, and the use of colloquial language and expressions. Linguistic imagery, the advancement and postponement of adjectives and nouns, word plurals, the construction of derivational vocabulary, and the use of long and short sentences.

In this study, some examples of language games are practically analyzed in the story " Day and Night of Joseph" by Mahmoud Dowlatabadi, one of the most prominent authors in this literary field.

اللعبة اللغوية في قصة (يوم وليلة يوسف) لمحمود دولت آبادي

م. غانري فيصل جليل محمد

كلية اللغات – جامعة بغداد



g.faisal_74@colang.uobaghdad.edu.iq

الكلمات المفتاحية: الألعاب اللغوية، التراكيب اللغوية، الوظائف النحوية، الأداءات اللغوية

الملخص:

تتخذ الألعاب اللغوية في البنية الأدبية والاستخدامات النحوية مكان لها. يعتبر هذا المفهوم ذا صلة وثيقة مع علوم متنوعة مثل علم اللغة، الأدب، علم النفس، الفلسفة وعلم الاجتماع. أول من تناول ألعاب اللغة بشكل مفصل كان فيتغنشتاين، حيث أكد خلال نظريته على دور الفلسفة وعلم اللغة في حياة الناس وأداءاتها المنهجية. الألعاب اللغوية في الأدب هي تلك التي تستند إلى استعمال الكلمات، العبارات والجمل في وظائف لغوية مخصصة للأفراد. ومن بين هذه الأنواع يمكن الإشارة إلى التكرار، التراكيب اللغوية، الوظائف النحوية، استخدام المحاكاة الصوتية، توظيف المكاملة والحوار، والاستفادة من اللغة والالفاظ العامية. التصوير اللغوي، تقديم وتأخير الصفة والموصوف، أشكال جمع الكلمات، بناء المفردات الاشتقاقية، واستخدام الجمل الطويلة والقصيرة. في هذا البحث، يتم تحليل بعض أمثلة الألعاب اللغوية بشكل عملي في قصة "يوم وليلة يوسف" لمحمود دولت آبادي بأعتباره من أبرز مؤلفي هذا المجال الأدبي.